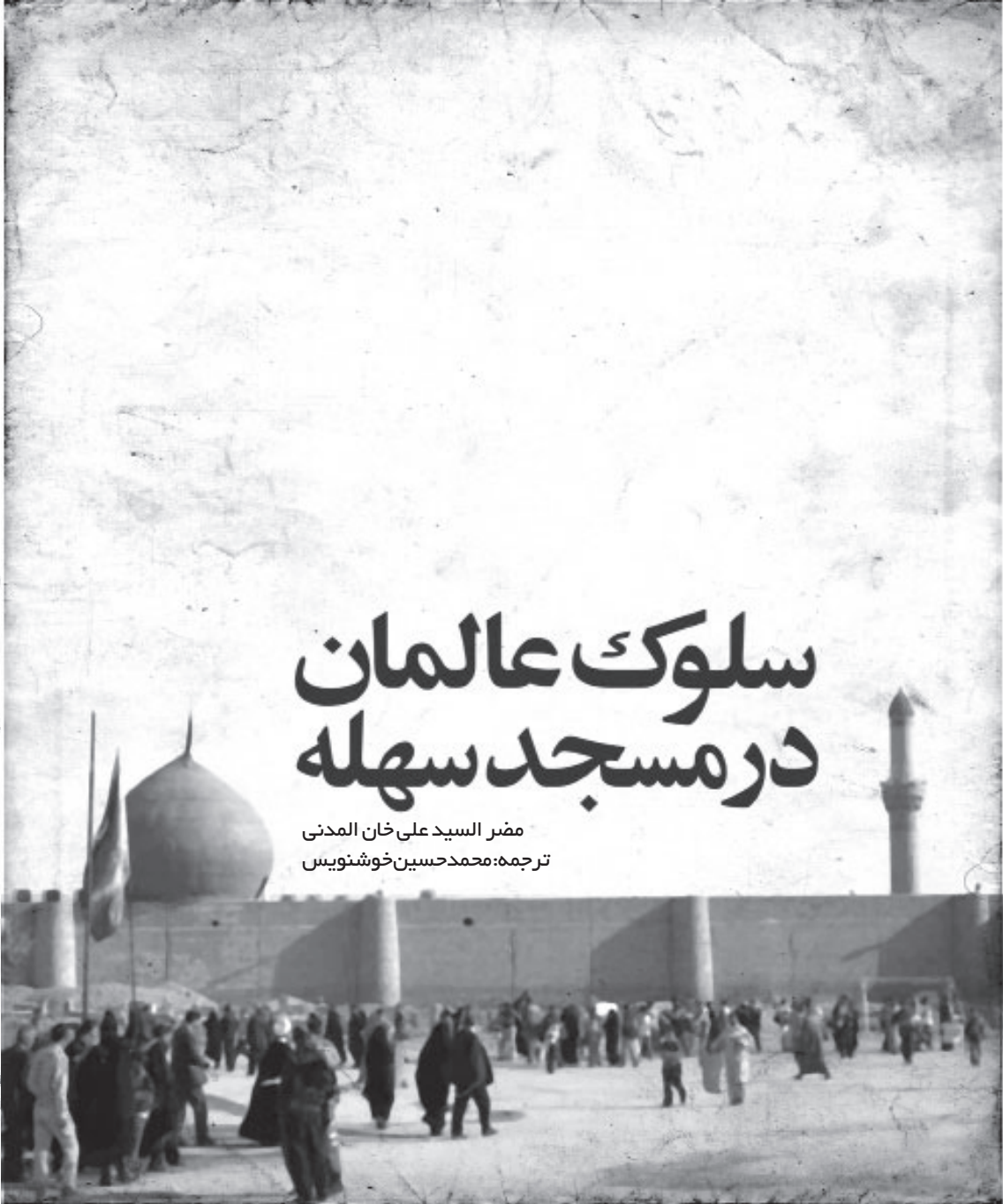


سلوک عالمان در مسجد سهله

مضر السید علی خان المدنی
ترجمہ: محمد حسین خوشنویس



مقدمه

مسجد سهله که مشهور است پس از ظهور امام عصر علیه السلام محل زندگی ایشان و خانواده‌شان و نیز محل بیت‌المال و تقسیم غنائم میان مسلمانان خواهد بود، در ورودی شهر کوفه قرار دارد. کوفه بعد از دوره فتوحات اسلامی، در همین مکانی بود که به شهر تبدیل شد. این شهر در فاصله ده کیلومتری از نجف اشرف و صدوپنجاه کیلومتری بغداد واقع شده است. مسجد سهله، بعد از مسجد کوفه ساخته شد و یکی از بزرگ‌ترین مساجدی است که در قرن اول هجری در کوفه بازسازی شد. این مسجد از سمت شمال غربی مسجد جامع که در فاصله دو کیلومتری آن قرار دارد، قابل مشاهده است و ابتدا در زمینی بایر و غیر مسکونی ساخته شد.

از مسجد سهله با نام‌های دیگری نیز یاد شده است: مسجد قُرا، مسجد بَرّی، مسجد سُهیل، مسجد عبد قَبیس و مسجد بَنی ظَفَر، ولی «سهله» مشهورتر از بقیه نام‌هاست. نام‌گذاری به «قرا» به سبب وجود روایتی از امیرمؤمنان علی علیه السلام است که فرمود: در شهر کوفه چهار مکان مقدس وجود دارد که هر یک، دارای مسجدی

است. از حضرت نام آنها را پرسیدند؛ فرمود: یکی از آنها

مسجد سهله است. مسجد سهله محل اتراق خضر

نبی علیه السلام است و هیچ اندوهگینی به این مسجد

وارد نمی‌شود، مگر این که خداوند اندوه او را

می‌زداید و ما اهل بیت، مسجد سهله را به

نام مسجد قرا یاد می‌کنیم.^۱

نام «بَرّی» نیز از ماده «بَر» به معنای

نیکوکار می‌باشد.^۲ از امام صادق علیه السلام

روایت شده است که فرمود: در

مسجدی نماز می‌خوانید که شما آن را

سهله می‌نامید، ولی ما اهل بیت به آن

مسجد «بَرّی» می‌گوییم.^۳

نام «سُهیل» برای مسجد سهله نیز به سبب

روایتی است که از امام باقر علیه السلام نقل شده است^۴

نام «سُهیل» برای مسجد

سهله نیز به سبب روایتی است که از امام

باقر علیه السلام نقل شده است و شاید «سُهیل»، نام یکی از

افراد است که در بازسازی این مسجد مشارکت داشته و

شاید نام یکی از عابدان این مسجد است.

صاحب جواهر به مسجد سهله علاقه فراوان داشت و هم او بود

که حرکت به سوی مسجد سهله در چهارشنبه شب‌ها را پایه‌گذاری

کرد و زمانی که قصد رفتن به مسجد سهله را می‌نمود، دستور می‌داد

که خیمه‌ها و وسایل و مواد غذایی کافی را برای استفاده در زمان

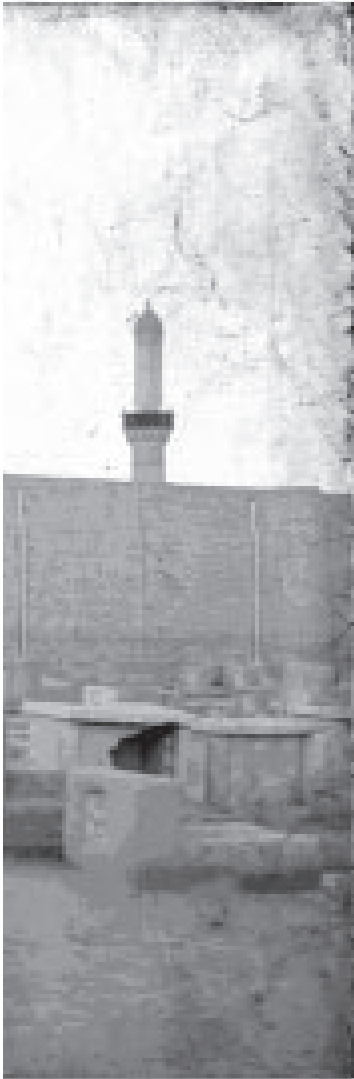
استراحت در بین راه شهر نجف اشرف تا مسجد سهله آماده

کنند. او و شاگردان و اطرافیانش بر اسب‌های زین شده

سوار می‌شدند و گروه‌های بسیاری از مردم با آنها

همراه می‌کردند و شب را در آن جا بیتوته

می‌کردند.



و شاید «سُهَیل»، نام یکی از افرادی است که در بازسازی این مسجد مشارکت داشته و شاید نام یکی از عابدان این مسجد است. نام «عَبْدَقَبِیس» نیز به سبب ساخته شدن این مسجد در محلهٔ بنی عبد قبیس می‌باشد. همان‌طور که نام «بنی ظفر» نیز به دلیل واقع شدن مسجد در محدودهٔ بنی ظفر است که در دوره‌های مختلف بازسازی مسجد سهله مشارکت داشته‌اند.

«سَهله» در لغت، تپه‌ای است پوشیده از شن سرخ‌رنگ و «سَهله» شن دانه درشتی است که دانه‌هایش قابل مشاهده می‌باشد.^۵ در روایتی از ام‌سلمه، همسر گرامی پیامبر اسلام ﷺ نقل شده است: جبرئیل (مدت‌ها پیش از واقعه کربلا) مقداری از خاک سرخ‌رنگ زمین کربلا را برای پیامبر ﷺ آورد که در این روایت از چنین خاکی تعبیر به «سَهله» شده و به همین علت نام «سَهله» شهرت بیشتری برای این مسجد ارزشمند پیدا کرده؛ چون در سرزمینی است که پوشیده از شن سرخ‌رنگ است.

امامان و مسجد سهله

مسجد سهله یکی از مقدس‌ترین مکان‌ها بعد از مسجد کوفه شمرده می‌شود؛ چرا که خانهٔ ادریس نبی و حضرت ابراهیم و عبدصالح خدا خضر نبی ﷺ در این مسجد قراز دارد.^۶

به درستی که برترین مساجد به ترتیب مسجدالحرام، مسجد

النبی، مسجد کوفه و مسجد سهله می‌باشد.^۸ روایات فراوانی درباره مسجد سهله از ائمه معصومین ﷺ نقل شده که به جایگاه و تقدس این مسجد و لزوم زیارت آن اشاره دارد. از امیرمؤمنان علی ﷺ نقل شده است: مسجد ابن ظفر مسجد بابرکتی است. به خدا قسم در طبقه‌ای

آیت‌الله سید کاظم
بزدی نیز رفتن به مسجد سهله
را که در برخی از شرایط و اوقات
خاص، بقیه مردم در فکر دیگری بودند،
بر امور دیگر ترجیح می‌داد و بسیاری از
مردم نیز از این سلوک آن مرحوم
پیروی می‌کردند.



از طبقات بالای این مسجد (در آسمان) سنگی بسیار بزرگ و سبز رنگ است که خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرده مگر این که تصویری از چهره آن پیامبر بر روی آن سنگ نقش بسته و این مسجد، همان مسجد سهله است.^۹

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام از ابوحمزه ثمالی درباره عمویشان «زید» پرسیدند: آیا عمویم زید را در شبی که از شهر خارج شد، ملاقات کردی؟ ابوحمزه پاسخ داد: بله. امام علیه السلام

پرسیدند: آیا در مسجد «سُهیل» نماز خواند؟ ابو حمزه عرض کرد: مسجد سُهیل کجاست؟ آیا مرادتان همان مسجد سهله است؟ امام علیه السلام فرمود: بله؛ اگر زید دو رکعت نماز در مسجد سهله خوانده بود و از خدا امان می خواست، خداوند او را همواره در پناه خویش حفظ کرده بود.^{۱۰}

علما و مسجد سهله

علمای بزرگ ما پیوسته بر مداومت بر زیارت مسجد سهله و نماز خواندن در آن تشویق کرده‌اند. عالم بزرگ شیعه طوسی در کتاب خویش می گوید:

شایسته نیست که نمازهای یومیه واجب، جز در مسجد انجام شود، (مانند این که) کسی گذرش به مسجد سهله می افتد و در آن نماز می خواند و مستحب است که در وقت بین دو نماز مغرب و عشاء در مسجد حضور داشته باشد.^{۱۱}

سید بن طاووس شب‌های چهارشنبه به زیارت مسجد سهله می رفت و می گفت:

اگر خواستی به مسجد سهله بروی، در وقت بین نماز مغرب و عشاء در شب چهارشنبه برو که این وقت از سایر اوقات فضیلت بیشتری دارد.^{۱۲}

برخی از علما مانند آیت الله شیخ جعفر کاشف الغطاء برای دفع بلا به مسجد سهله پناه می آوردند. خود ایشان می گوید:

در سالی که طاعون آمد، من به همراه چهل نفر به مسجد سهله پناه بردیم و ظاهراً همه اهالی شهر (به جز چند نفری که در مسجد سهله بودند)، به

سبب بیماری طاعون فوت کردند و بعد از برطرف شدن

این بیماری کسی باقی نمانده بود.

شیخ محمدحسن صاحب جواهر به مسجد سهله علاقه فراوان داشت و هم او بود که حرکت به سوی مسجد سهله در چهارشنبه شب‌ها را پایه گذاری کرد و زمانی که قصد رفتن به مسجد سهله را می نمود، دستور می داد که خیمه‌ها و وسایل و مواد غذایی کافی را برای استفاده در

شیخ آقا بزرگ تهرانی از نجف تا مسجد سهله را که تقریباً در فاصله ده کیلومتری آن قرار دارد، در شب چهارشنبه هر هفته به مدت چهل شب، پیاده می رفت.

زمان استراحت در بین راه شهر نجف اشرف تا مسجد سهله آماده کنند. او و شاگردان و اطرافیانش بر اسب‌های زین شده سوار می‌شدند و گروه‌های بسیاری از مردم با آنها همراه می‌کردند و شب را در آن جا بیتوته می‌کردند و احداث این ساختمان، مربوط به این برنامه بود.

برادر بزرگ‌تر صاحب جواهر، شیخ محمدحسین که طلبه‌ای باهوش و مستعد بود نیز همراهشان می‌رفت، تا این که در یکی از این سفرها به‌طور اتفاقی و از روی اشتباه، مورد اصابت گلوله قرار گرفت و در عنفوان جوانی، در حالی که در مسیر مسجد سهله بود، کشته شد.

ماجرای این قرار بود: یکی از افرادی که به دستور شیخ جعفر کاشف‌الغطاء مشغول فراگیری آموزش نظامی و تیراندازی در بیابان‌های اطراف شهر بود تا در برابر وهابیونی که دائماً کربلا و نجف را مورد حمله‌های خود قرار می‌دادند، بایستد و دفاع کند، تیری شلیک می‌کند و به سبب انحراف در تیراندازی، شیخ محمدحسین مورد اصابت گلوله قرار گرفته و رحلت می‌کند.^{۱۳}

صاحب جواهر در بستر بیماری‌ای که منجر به رحلت ایشان شد، از طرف یکی از عیادت‌کنندگان مورد پرسش قرار گرفت که اگر خدای نکرده برای شما اتفاقی افتاد، مرجع تقلید چه کسی خواهد بود؟ صاحب جواهر برای پاسخ به این سؤال دستور داد تا بزرگان از میان علما و مجتهدین جمع شوند. آنان نیز بلافاصله به نزد صاحب جواهر رسیدند. برخی با دیدن وضعیت جسمانی صاحب جواهر گمان کردند که ایشان، او را به عنوان مرجع تقلید بعد از خود انتخاب می‌کند و برخی احتمال می‌دادند که صاحب جواهر یکی از فرزندان را برای این مهم پیشنهاد می‌کند؛ چون در میان فرزندان کسی بود که لایق چنین منصبی باشد. هنگامی که تمامی مدعوین آمدند، صاحب جواهر سراغ «شیخ مرتضی انصاری» را گرفتند، ولی او در جلسه حاضر نبود. کسی را به دنبال او فرستاد. وقتی شیخ انصاری آمد، صاحب جواهر به او گفت: آیا مرا در چنین موقعیتی تنها می‌گذاری؟ شیخ مرتضی پاسخ داد: در مسجد سهله مشغول دعا برای شفای شما بودم. صاحب جواهر فرمود: «زمام امور دینی را که به من سپرده شده بود، اکنون امانت الهی در نزد توست؛ پس تو نیز از احتیاطات کم کن؛ چرا که دین، دین آسانی است».^{۱۴}

مرحوم آیت‌الله سید کاظم یزدی (صاحب عروه الوثقی) نیز رفتن به مسجد سهله را که در برخی از شرایط و اوقات خاص، بقیه مردم در فکر دیگری بودند، بر امور دیگر ترجیح می‌داد و بسیاری از مردم نیز از این سلوک آن مرحوم پیروی می‌کردند.^{۱۵}

تصاویر به دست آمده از آیت‌الله سید محمدسعید حبّوبی نیز حاکی از مواظبت ایشان بر زیارت مسجد شریف سهله می‌باشد؛ همان‌گونه که در تصویر سمت چپ مشاهده می‌شود، آیت‌الله محمدباقر قاموسی تکیه داده‌اند و نفر بعدی شیخ محمد سخیلی و سپس نوجوانی به نام محمود حبّوبی است که به نشانه جهاد، شمشیری در دست دارد. در سمت راست تصویر، مرجع بزرگ شیعه آیت‌الله سید محسن حکیم و در جلوی ایشان، فرزندش، سید یوسف است. این تصویر نیز نشان از مواظبت آیت‌الله حکیم بر زیارت مسجد سهله دارد و این که همیشه فرزندان و افراد دیگر خانواده‌اش را به زیارت و توقف لحظاتی هر چند اندک در این مسجد، تشویق می‌کرد. سعی مرحوم آیت‌الله سید محسن حکیم بر این بود که این منطقه را به بهانه‌ها و مناسبت‌های مختلف آباد گردانند. بازسازی مسجد «زید» و «صعصعه» که در کنار مسجد سهله قرار گرفته، نمونه‌ای از فعالیت‌های مرحوم سید محسن حکیم می‌باشد. در شرح حال محقق بزرگ، آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی آمده است که ایشان از نجف تا مسجد سهله را (که تقریباً در فاصله ده کیلومتری آن قرار دارد) در شب چهارشنبه هر هفته به مدت چهل شب، پیاده می‌رفت.^{۱۶}

از جمله ملازمین مسجد مقدس سهله، حضرت آیت‌الله العظمی سید محمدعلی حکیم (دام‌ظله) و فرزندان مکرمشان می‌باشند که در رأس فرزندان ایشان، مرجع بزرگ آیت‌الله سید محمدسعید حکیم است که به‌طور جدی در نوسازی و تعمیر مسجد سهله دخیل می‌باشد.^{۱۷}

مرحوم آیت‌الله سید جمال الدین گلپایگانی نیز بسیار به مسجد سهله می‌رفت و بسیار هم در مسجد توقف می‌نمود و حتی شب را در مسجد بیتوته می‌کرد. او در این شیوه، پیرو سلوک استادش شیخ علی محمد نجف‌آبادی در آداب زیارت مسجد سهله بود.

آیت‌الله گلپایگانی در یکی از زیارت‌هایش، به‌طور اتفاقی با آیت‌الله سید احمد کربلایی مسجد سهله را زیارت می‌کند؛ آن هم در حالی که سید احمد مشغول خواندن زیارت مقام مهدی علیه السلام بود و چنان مناجاتی می‌کرد که باعث جذب آیت‌الله گلپایگانی به مرحوم سید

احمد می‌شود.^{۱۸}

آیت‌الله خوئی نیز بر رفتن به مسجد سهله در شب چهارشنبه هر هفته مواظبت می‌کرد و در آن جا یک تا یک‌ونیم ساعت درنگ کرده، دعا می‌نمود و نماز می‌خواند و بر انجام این کار اهتمام بسیار داشت.^{۱۹}

درباره آیت‌الله سید عبدالاعلی سبزواری نیز نقل شده است که به زیارت مسجد سهله در شب‌های چهارشنبه ملتزم بود. هم‌چنین نقل شده که ایشان در یکی از سال‌های عمر شریفش دچار بیماری قلبی شده بود و متولی رسیدگی پزشکی به ایشان دکتری به نام موسی اسدی بود که علامه سید محمد کلانتر او را در آن روزها برای مداوای آیت‌الله سبزواری آورده بود. پزشک می‌خواست که آیت‌الله سبزواری به علت وضعیت اضطراری‌شان به بیمارستان منتقل شوند، ولی مرحوم سبزواری این پیشنهاد را رد نمود؛ چون می‌دانست راه حل بهتری برای شفای سریع‌تر دارد و آن دعا کردن و توسل به امام صادق علیه السلام بود. از این رو آیت‌الله سبزواری نذر کرد که اگر خدا او را از این بیماری شفا دهد، یک دوره کامل فقهی از احکام شریعت مقدس بنویسد. در همان شب از خواب برمی‌خیزد و بدون این که از درد و رنج بیماریش شکوه‌ای کند و علی‌رغم اصرار خانواده‌اش به ماندن در خانه، نیمه‌شب عزم رفتن به مسجد سهله می‌کند.

وقتی روز بعد، پزشک ایشان را معاینه می‌کند، با شگفتی تمام می‌بیند که بیماری از وجود ایشان رخت بر بسته و کاملاً شفا یافته است و این واقعه‌ای خارق‌العاده بود. این گونه بود که مرحوم سبزواری به واسطه وفای به نذری که کرده بود، شروع به نوشتن دوره بزرگ فقهی و استدلالی در سی جلد نمود و آن را «مهدب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام» نام نهاد که این کتاب از جمله موسوعه‌های فقهی جدید می‌باشد. سید حسین فرزند مرحوم آیت‌الله سبزواری درباره پدر بزرگوارش چنین می‌گوید:

زمانی که نیروهای رژیم سابق به شهر نجف اشرف حمله کردند و شهر را با موشک‌های زمین به زمین بمباران نمودند و مردم به بیرون شهر فرار کردند، پدرم در مسجد سهله بود. به مسجد رفتم تا از حال ایشان جويا شوم و از ترس سلطه و هجومه نیروهای رژیم سعی کردم که ایشان را قانع کرده و از مسجد خارج و به بیرون شهر ببرم. ایشان از من پرسیدند: مردم دارند از نجف بیرون می‌روند؟ گفتم: بله، به خاطر شدت حملات بیرون رفتند. پدرم در

جواب فرمود: اگر مردم از ولایت امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام بر این شهر آگاه بودند، حتی از یک وجب از آن عقب‌نشینی و فرار نمی‌کردند. پس پدرم پیشنهاد من برای به خروج از شهر را رد کرد و اصرار نمود که در مسجد سهله بماند.

مرحوم آیت‌الله سید عبدالکریم کشمیری از مرحوم آیت‌الله سید علی قاضی نقل می‌کند که ایشان معتقد بود رفتن به مسجد سهله در روز جمعه خوب است.^{۲۰} همان‌گونه که علامه سید محمدحسین طباطبائی دربارهٔ مرحوم سید علی قاضی چنین می‌گوید:

مرحوم سید قاضی اتاقی در مسجد کوفه و هم‌چنین حجره‌ای در مسجد سهله داشت و تنها در آنها به سر می‌برد و همیشه شاگردانش را به شب زنده‌داری برخی از شب‌های خاص در مسجد کوفه و مسجد سهله توصیه می‌نمود.^{۲۱}

ایشان توصیه می‌کرد که اگر در حال نماز یا قرائت قرآن یا در حال ذکر و تفکر بودید و در همین حال چهره‌ای زیبا یا چیزهای دیگری از عالم غیب دیدید، توجه نکنید و به عبادت خویش مشغول باشید.^{۲۲}

در روایتی نقل شده است که هر کس چهل شب چهارشنبه پشت سر هم در مسجد سهله و به نیت دیدن امام عصر علیه السلام به عبادت و شب‌زنده‌داری مشغول باشد، توفیق دیدن امام علیه السلام را به دست می‌آورد.^{۲۳}

مرحوم آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی از کسانی بود که هر چهارشنبه به زیارت مسجد سهله اهتمام می‌ورزید و حتی موفق به زیارت امام عصر علیه السلام و گفت‌وگو با ایشان شد.

بسیاری دیگر از علما و بزرگان نیز بر زیارت مسجد سهله مواظبت می‌کردند و برخی به اندازه‌ای ملازم این مسجد مقدس بودند که در همان مسجد رحلت کردند؛ مثل حاج میرزا حسین خلیلی که در زمان بین‌المطوعین، در روز جمعه و در حالی که مشغول دعا بود، به دیار باقی شتافت.^{۲۴}

۱. ابن فقیه، مختصر کتاب البلدان، ص ۱۷۴.
۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۵۳، واژه «برر».
۳. جمیری، قرب الاسناد، ص ۱۵۹.
۴. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶ ص ۳۷.
۵. زبیدی، تاج العروس، ج ۱، ص ۷۱۹۳.
۶. لسان العرب، ج ۱۱، ص ۳۴۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۴۷.
۷. علامه محمدحسین طباطبایی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۴۳۴؛ مختصر کتاب البلدان، ص ۱۷۴.
۸. توضیح المسائل آیات الله بهجت، ص ۱۸۵.
۹. میرزای نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۹۶.
۱۰. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶ ص ۳۷؛ بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۴۳۷.
۱۱. شیخ طوسی، مصباح المتعجد، ص ۷۴۷.
۱۲. حسون البراقی، الیتیمه الغریبه، ص ۸۱.
۱۳. محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱، ص ۵ از مقدمه.
۱۴. باقر آل محبوبه، ماضی النجف و حاضرها، ج ۲۰، ص ۱۳۴.
۱۵. سید محسن امین عاملی، اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۳.
۱۶. محمدرضا حکیمی، شیخ آقا بزرگ، ص ۷.
۱۷. احسان فتحی، پارسای مجاهد، ص ۲۵.
۱۸. محمدحسین حسینی، توحید علمی و عینی، ص ۲۰.
۱۹. عبدالکریم پاک‌نیا، آفتاب فقاہت، ص ۳۴.
۲۰. هادی هاشمیان، دریای عرفان، ص ۴۰.
۲۱. طباطبایی، مهترتابان، ص ۳۳۲.
۲۲. صادق حسن‌زاده و محمود طیار مراغی، اسوه عرفان، ص ۴۴.
۲۳. نوری، جنۃ المأوی، ج ۵۳، ص ۳۱۰.
۲۴. نوری، جنۃ المأوی، ج ۵۳، ص ۳۱۰.
۲۵. ابن متن برگرفته از: دلیل عتبه مسجدالسهله، ص ۲۰ - ۲۷.